



و هرکس با حاکمی بیعت کرد و با دست و دل خویش با او پیمان بست، باید هرچه می تواند از او اطاعت کند و اگر کسی بر سر قدرت با حاکم نزاع کرد، گردنش را بزنید.

از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که می گوید: با رسول الله صلی الله علیه وسلم در سفر بودیم و جایی اتراق کردیم. برخی از ما چادر خود را نصب می کردند؛ برخی هم مسابقه ی تیراندازی می دادند و عده ای مشغول چراندن شتران خود بودند که منادی رسول الله صلی الله علیه وسلم اعلام کرد: نماز برپاست؛ - یعنی وقت نماز است. - همه نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم جمع شدیم. فرمود: «إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ نَبِيَّ قَبْلِي إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَيْهِ أَنْ يَدُلَّ أُمَّتَهُ عَلَى خَيْرٍ مَا يَعْلَمُهُ لَهُمْ، وَيُنذِرَهُمْ شَرًّا مَا يَعْلَمُهُ لَهُمْ، وَإِنَّ أُمَّتَكُمْ هَذِهِ جَعَلَ عَافِيَتَهَا فِي أَوْلَاهَا، وَسَيُصِيبُ آخِرَهَا بَلَاءٌ وَأُمُورٌ تُنْكَرُونَهَا، وَتَجِيءُ فِتْنَةٌ يَرْقُقُ بَعْضُهَا بَعْضًا، وَتَجِيءُ الْفِتْنَةُ فِيَقُولُ الْمُؤْمِنُ: هَذِهِ مُهْلِكَتِي، ثُمَّ تَنْكَشِفُ، وَتَجِيءُ الْفِتْنَةُ فِيَقُولُ الْمُؤْمِنُ: هَذِهِ هَذِهِ. فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُرْخَرَ عَنِ النَّارِ، وَبَدَخِلَ الْجَنَّةَ، فَلْتَأْتِهِ مَنِئِبَتُهُ وَهُوَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَلِيَأْتِيَ إِلَى النَّاسِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يُؤْتَى إِلَيْهِ، وَمَنْ بَايَعَ إِمَامًا فَأَعْطَاهُ صَفْقَةً يَدِهِ، وَثَمْرَةَ قَلْبِهِ، فَلْيَطِئْهُ إِنْ اسْتَطَاعَ، فَإِنْ جَاءَ آخِرُ يَتَارِعُهُ فَاصْرُبُوا عُقُقَ الْآخِرِ»: «هر پیامبری پیش از من وظیفه داشت امتش را به بهترین چیزی که خیر و صلاح شان را در آن می دانست، راهنمایی کند و آنها را از آنچه برای آنان بد می دانست، برحذر دارد. عافیت و سلامت این امت از فتنه ها، در ابتدای آن نهاده شده است و در آینده به فتنه ها و اموری دچار می شود که آنها را نمی پسندید و فتنه هایی پدیدار می گردد که هر یک از آنها به قدری سنگین و شدید است که فتنه های پیش از خود را سبک و خفیف می گرداند؛ چنانکه فتنه ای پیش می آید و مؤمن می گوید: این مایه ی هلاکت من است. اما فتنه برطرف می شود و فتنه ای دیگر می آید و مؤمن می گوید: این همان فتنه ی هلاکت بار است - و فتنه ی پیشین بر او آسان می گردد. - پس هرکس دوست دارد از آتش دوزخ دور و وارد بهشت شود، باید در زمانی که مرگش فرا می رسد، به الله و آخرت ایمان داشته باشد و باید با مردم به گونه ای رفتار کند که دوست دارد با خودش رفتار گردد. و هرکس با حاکمی بیعت کرد و با دست و دل خویش با او پیمان بست، باید هرچه می تواند از او اطاعت کند و اگر کسی بر سر قدرت با حاکم نزاع کرد، گردنش را بزنید».

[صحیح است] [به روایت مسلم]

حدیث مذکور بیان می کند که بر دعوتگران همچون پیامبران واجب است که خیر و خوبی را بیان نموده و به آن تشویق کنند و مردم را به سوی آن راهنما باشند؛ و باید شر و بدی را معرفی نموده و در مورد آن هشدار داده و دیگران را بر حذر دارند؛ و در ادامه اشاره می کند که ابتدای این امت در خیر و خوبی بوده و از ابتلا و آزمایش در امان بوده است اما پایان این امت با شر و بلا و مصیبت مواجه می شود چنانکه فتنه های بعدی فتنه های قبلی را ناچیز جلوه می دهند؛ و نجات از آنها با توحید و چنگ زدن به سنت نبوی و خوش رفتاری با مردم و پایبندی به بیعت حاکم و عدم خروج بر او و جنگیدن با کسانی است که خواهان پراکندگی و تفرقه انداختن میان مسلمانان هستند.



النجاة الخيرية
ALNAJAT CHARITY

